سایه تاریخ (۱۲)

تهیه و تنظیم : کیومرث ساسا کلانتری

پیشکش به شاهرخ نجاری

...

چون در پزد باز هم مانع داشتند بیست نفر اطفال را از یزد به تهران خواسته و تشکیل مدرسه شبانه روزی را دادند . در مدت سی و پنج سال که در تهران و مسافرت به شهرهای ایران مشغول ریاست و سرپرستی بودند خیلی باعث پیشرفت و آسایش زرتشتیان را فراهم کردند .

در سال ۱۲۶۳ در تهران فوت و جای خود را به یگانه فرزندش هرمزجی واگذار نمودند آن جوان ناکام نیز از هند حرکت و به یزد که رسید بواسطه سرمای زمستان که در حمام منقل آتش زغال چوب گذاشته بودند در موقع شستشو مسموم و مرحوم شد[1]

راستی مانکجی با این همه خدمت چیز دیگری داشت که تئار یان ملت کند ؟

دومین کسی که در آن زمان برای جامعه زرتشتی مثمر ثمر بوده است و فعالیت زیادی در این باره به عمل آورده است ،اربابی جمشید جمشیدیان بود. وی موفق می‌شود از اولین دوره مجلس شورای ملی به عنوان نماینده زرتشتیان وارد مجلس شد و به عنوان یکی از تجار نامی ایران مورد اعتماد عامه مردم قرار گرفت. کلیه شعبات تجارتخانه ارباب جمشد در سراسر ایران به روی زرتشتیان باز بود و تا زمانی‌که در آن شهر اقامت داشت ،مسئول شعبه بنا به دستور وی خوراک و مکان آنها را تهیه و به طور رایگان در اختیارشان قرار می‌داد.

شاهد این گفته مطلبی است که در کتابی به نام «یاد کوتاهی از سرگذشتم» نوشته روانشاد هرمزدیار نوروز(همتی) آمده است. همتی در صفحه ۲۱ این کتاب نوشته :« در اصفهان وار - تجارتخانه جمشیدیان شدیم . از یزد به طرف اصفهان چند نفر زرتشتی با قافله ما همراه شدند. چون هر شهری که تجارتخانه جمشیدیان وجود داشت معمولاً هر زرتشتی مسافری که محلی برای سکونت نداشت به تجرتخانه جمشیدیان وار می‌شد و رئیس تجارتخانه تا روز حرکت از او پذیرایی می‌کرد.»

ارباب جمشید بهمن جمشیدیان در سال ۱۲۲۹ خورشیدی در یزد متولد شد. طبق معمول آن زمان - زرتشتیان تاجر یزد ،فرزندان خود را برای کارآموزی به تجارتخانه یکدیگر می‌برند . ارباب جمشید نیز در تجارتخانه ارباب رستم مهربان که یکی از تجار نامی یزد بود به کارآموزی مشغول شد و برای هفت سال اجری بود. ارباب جمشید به خاطر فعالیت خوبی که داشت و پشتکار فوق‌العاده اش در کار به دستور ارباب رستم به تهران رفت[2].

ارباب جمشید مردی بلند قد و بسیار فروتن و خوش اخلاق بود به طوری که از کوچک و بزرگ همه او را دوست داشتند . ارباب با همه به مهربانی رفتار می‌کرد.

۱- خاطرات ارشیر زارع جلد دوم رویه ۱۱۳

۲- مهنامه زرتشتیان شماره ۷ ؛ فروردین ۱۳۵۲

ادامه دارد...

گزارش گشایش نمایشگاه عکس ۵ ساعت بم

فریدون خسرویان

باز هم سخن از بم است و یک فاجعه ، یک خرابی ، یک ویرانه و بازماندگانی غبار ماتم گرفته

اینجا نمایشگاه عکس بم فریدون خسرویان واقع در کاخ نیاوران است و این بار ۵ روز حضور پیش کسوتان عرصه هنر آنان را بر آن داشته است تا عکسهایی را که در ۵ ساعت از جلوه ها و نمودهایی از بم گرفته شده است به نمایش بگذارند و درآمد آن را معطوف بازماندگان حادثه دیده بم گردانند و این تنها یکی از ۵ پروژه جدیدی است که در این زمینه برگزار می گردد.

مراسم گشایش که در روز هفتم بهمن ماه ساعت ۵ الی ۸ با حضور هنرمندان عرصه های مختلف از جمله هنری و ورزشی و موسیقی برگزار گردید دعوت کنندگان زیادی را از ساعتی قبل به آنجا کشانده بود به گونه ای که حضور خبرنگاران بدون کارت دعوت را در آن میان با مشکل مواجه نموده بود. در میان دعوت شدگان چهره های آشنای زیادی به چشم می خوردند که یا داغ این مصیبت و یا حضور مجدد در میان دوستداران آنان را به آنجا خوانده بود.

که از آن جمله بسیاری از هنرمندان از کار افتاده عرصه سینمای کشورمان بودند هنرمندانی که گرچه خود در جمع مردم نبودند ولی استقبال بی نظیر حضار از آنها نشان می داد که یاد و چهره آنها هیچگاه از دل مردم بیرون نخواهد رفت .

مراسم که با خواندن قرآن شروع شده بود با حضور عزت الله انتظامی هنرپیشه نامدار سینمای ایران فضایی صمیمانه تر به خود گرفت ایشان از هنرمندانی یاد کرد که مسبب این گرد همایی و پشتیبان این پروژه بودند و خود در زمانهای نه چندان دور چهره های سرشناس بودند و امروز حتی برخی از آنها توان آن را ندارند که چکی را که به آنها می دهند تبدیل به پول نقد کنند و از برخی از این افراد یاد کردند.

زمانی که هنرمند عزیز شهره لرستانی طراح و رئیس خانه پیشکسوتان هنر برای سخنرانی حاضر شد تنها تکرار جملاتی مملو از احساس غم بود که در هر گوش تکرار می شد.

پیر زن وضو می گرفت که آب دم پاشویه تکان خورد بم می لرزد ۵ ثانیه ...

زمین می لرزد ۷ ثانیه ... تازه عروس و داماد با وحشت اتاق را ترک می کنند. زمین می لرزد ۱۰ ثانیه ... ۵ صبح در بم جاودان می شود فرزندان مادران خویش گم می کنند مادران فرزندان خود نمی یابند ... صدای ضجه تمام شب ...

آن روز کشتکاران بم خرمای عزای خود را می‌چیدند این چه مصیبتی بود که ارگ پابرجا را هم در هم کشید . چه باید کرد چه می توان کرد مسوولیت و تعهد ما کدامست ؟ ... و این جملات حتی اگرپس از آن شهره لرستانی سخنی از همدردی با بازماندگان ، کمکهای خانه هنرمندان و تلاش برای برگرداندن امید به این سرزمین نمی گفت ، باز هم آنچنان در دل می‌نشست که هر انسان دلسنگی را هم به فکر مصیبت زده ها بیندازد و به او بفهماند که زندگی آیینی کردن در حوضچه اکنون است پس باید برای امروزمان بپا خاست تا فردایمان مثل دیروز نشود.

پس از این سخنرانی در فضای سالن نوای دف و نی که سازهای اصیل ایرانی هستند طنین انداز گردید که هنرمندان سهیل داودی راد ، ابراهیم عظیمی و عرفان شهر آبادی اجرا کردند و در آنجا بود که متوجه شدیم استاد موسوی بزرگ نوازنده نی ایران نیز در آنجا حاضر شده است و چه محیط عاشقانه ای است آنجا در آنجا همه عاشق بودند و به هم عشق می ورزیدند. در ادامه آقای مشاهیری مسوول سازمان مدیریت شهری از احساس تعهدی که مردم و هنرمندان به انسانیت ، تعلق به هم وطن و میهن به عنوان سرمایه ای ارزشمند در تمام طول تاریخ درخشنده داشتند که محصولش استحکام اجتماعی و ملی بود سخنرانی ایراد نمودند .

پس از بیانیه ای از فریدون خسرویان خوانده شد که با نام خدای عشق آغاز شد.

و با عشقی که در لحظه غم جوشید ادامه یافت و با امید به عشق ورزیدن به خواهر و برادران بازمانده نه در لحظات غم که در همیشه خاتمه یافت و در ضمن بیانیه از همه مجموعه ها و موسسات قدردانی نمود که امکان برگزاری این نمایشگاه را فراهم نمودند.

در ادامه برنامه آقای طباطبایی معاونت آموزشی میراث فرهنگی کشور به تریبون خوانده شدند و از بازتاب مردم راجع به زلزله صحبت کردند و از زلزله‌های دیگر چون طبس و رودبار که با زلزله بم این تفاوت را داشتند که در بم علاوه بر خسارت مالی و جانی میراث تاریخی نیز نابود شد (در اینجا این سوال به ذهنم خطور کرد که آیا در دیگر زلزله‌ها مصیبت تاریخی نداشتیم یا آنکه ما نسبت به آن بی تفاوت بودیم) و سپس عنوان کردند متهم بزرگ بم مدیریت و معماری آن نیست و از خشک شدن درختان بر اثر نرسیدن آب به آنها پس از زلزله و خشک شدن ۱۶۴ رشته قنات بم اظهار نگرانی کردند و خانه پیشکسوتان هنرمند را به نوعی میراث فرهنگی کشور خواندند که باید به آن هم توجه بیشتری کرد تا پیش از آنکه ضربه ای ما را به خود آورد ما خود زودتر به خود بیاییم . در ادامه برنامه دکلمه خوانی مریم حیدرزاده به دلیل کمبود وقت اجرا نشد و پس از اجرای موسیقی توسط مجتبی کبیری (خواننده آلبوم معرکه) در مورد بم و نمایش فیلم با موسیقی بهرام کشتکار مدعوین سالن به تماشای عکسها دعوت شدند.

تصاویری که نا خودآگاه به یاد موسیقی مجتبی کبیری می انداخت تصاویری ازخانه های ویران ، شهر ویران ، ارگ ویران ، مردم ویران و دلهای ویران .

تصویری از دیواری ویران که تنها یک نوشته بر آن بود که «ما نداریم از رضای حق گله » و پشت سر همه ویران ، خانه ای که شاید تمام شب به روی مهمانان باز بود و هنوز درش بازمانده بود ولی دیگر نیاز نبود تا باز بودن در فرصتی برای دیدن داخل منزل را فراهم آورد زیرا دیوار و شیشه ای که مانع شود دیگر وجود نداشت ، آرایشگاه عروسی که هنوز تابلوی سالمش آویزان بود جایی که مرکز فکرهای شیرین دختران بسیاری بوده است حالا به خرابه ای تبدیل شده بود ، پیر زن و کودکی که برای گرم شدن دستشان آنها را گره زده و به دهان نزدیک می کردند تا بجای گرمای بخاری با گرمای نفسشان آن را از یخ زدن نجات دهند ، پسرکی که داخل چادر کنسرو های ماهی را داخل ظرفهای یکبار مصرف می ریخت تا همراه نان خشک شام شبشان گردد، چادرهایی که با پتو ساخته شده بودند و...

تنها یک شعر بود که در ذهنم تکرار می شد:

«آدمهای سوخته آفتاب
آدمهای صاف و ساده
خانه های آرزو شون
روی شانه های باده »

انتشار مقالاتی در سالروز تولد مارگارت مید ، مادر علم مردم شناسی

مجموعه مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد «مارگارت مید»، مادر علم مردم شناسی تحت عنوان «زن و فرهنگ» از سوی سازمان میراث فرهنگی و به وسیله نشر نی منتشر شد.

از مارگارت مید حدود چهل و چهار کتاب و هزار مقاله در زمینه مردم شناسی منتشر شده است. او در سال ۱۹۰۱ در فیلادلفیا به دنیا آمد و در ۱۹۷۸ در حالی که درجه دکتری مردم شناسی از دانشگاه کلمبیا داشت، درگذشت.

برخی از آثار برجسته او از این قرارند: «رسیدن به سن بلوغ در ساموا (۱۹۲۸) که محصول تحقیقات میدانی او در «ساموا» است و تا سال ها جز پر فروش ترین کتاب ها بوده است.

«رشد و نمو در گینه نو» (۱۹۳۰)، «مسایل جنسی و خلق و خو در سه جامعه بدوی» (۱۹۳۵)، «شخصیت بالینزی»: تجزیه و تحلیل تصویری» (۱۹۴۲)، «استمرار تحول فرهنگی» (۱۹۶۴)، «سخنی درباره مسایل نژادی» (۱۹۷۱)، «جنس مرد و جنس زن» (۱۹۴۹)، «مردم شناسی: نوعی از علوم انسانی» (۱۹۶۴)، «فرهنگ و تعهد» (۱۹۷۰)، «زمستان بلک بری» (۱۹۷۲) که اتوبیوگرافی ا و از سال های واپسین عمرش است و «نامه هایی از میدان تحقیق» (۱۹۷۷) که گزیده ای است از مکاتبات او طی سفر به ساموا.

مارگارت مید در حوزه های ویژه ای تحقیق و مطالعه می کرد. بررسی درباره مردم بی سواد اقیانوسیه از دیدگاه های روش شناسی و فرهنگ؛ آموختگی فرهنگی رفتار جنسی؛ شخصیت طبیعی و دگرگونی فرهنگ؛ حقوق زنان؛ پرورش و تربیت فرزندان؛ اخلاق جنسی؛ ازدیاد سلاح های هسته ای؛ روابط نژادی؛ اعتیاد؛ کنترل جمعیت؛ آلودگی محیط زیست و گرسنگی در جهان از موضوعات مورد علاقه او بودند اما نگاه جبرگرایی فرهنگی او که به خصوص در کتاب «رسیدن به سن بلوغ در ساموا» بسیار آشکار است، باعث شد که مردم شناسان اواخر دهه بیست به بعد، صحت مشاهدات او و استحکام نتیجه گیری هایش را زیر سوال ببرند. با این حال سهمی که مارگارت مید بر علم انسان شناسی آمریکا به واسطه مطالعاتش بر جوامع ابتدایی دارد، غیر قابل انکار است.

زن و فرهنگ

کتاب «زن و فرهنگ» که به کوشش محمد میرشکرایی و علیرضا حسن زاده منتشر شده است، شامل پنج فصل و یک گفتار ضمیمه است.

در این پنج فصل، از چند جانب به موضوع «زن و فرهنگ» پرداخته می شود. فصل اول به «آیین، اسطوره و تاریخ»اختصاص دارد که کسانی چون دکتر ژاله آموزگار، دکتر جلال ستاری، دکتر شیرین بیانی، دکتر کتایون مزداپور، دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، دکتر رقیه بهزادی، دکتر میرجلال الدین کزازی، دکتر محمد میرشکرایی، و... مقالاتی با مضمون سیمای زن در فرهنگ، سهم زن در اساطیر، موقعیت اجتماعی زن در عصر هخامنشیان و... نوشته اند.

فصل دوم به «زبان» اختصاص دارد و کسانی چون دکتر زهره زرشناس، دکتر سعید عریان و دکتر ماریا آیوازیان مطالبی تحت عنوان «دین ـ زنان در نوشته های سغدی»، «ساختار اسناد ازدواج در متون پهلوی و پازند» و «نگاهی به نام زنان در زبان ارمنی» نوشته اند.

فصل سوم به «جامعه و فرهنگ» اختصاص دارد و کسانی چون دکتر ناصر فکوهی، فرنگیس مزداپور، دکتر ژاله شادی طلب، دکتر مرتضی فرهادی و... مطالبی تحت عنوان «زن ایرانی، هویتی تعریف نشده»، «مطالبات و انتظارات زنان ایرانی»، «نگاهی به مشارکت زنان ایرانی با محور اصلی همیاری» و... نوشته اند.

فصل چهارم به «دیدگاه های نظری» اختصاص دارد و دکتر سهیلا شهشهانی، دکتر جمیله کدیور و دکتر حمیرا مشیرزاده، مقالاتی تحت عنوان «کاربردهای متفاوت فضای عاطفی در فرهنگ ایرانی»، «زن و سیاست» و «شناخت از منظر زنانه» نوشته اند.

فصل پنجم به «هنر و ادبیات» اختصاص دارد و نغمه ثمینی، بهروز وجدانی، ناهید توسلی، نادر امیری، میراحمد میراحسان، هلناشین دشتگل و... مطالبی تحت عنوان «الگوی اساطیری زن در سینمای ایران»، «نقش زنان در انتقال میراث معنوی: لالایی ها»، «دشتان (یا حیض) در ادبیات زرتشتی و فرهنگ ایران باستان» و... نوشته اند.

کتاب «زن و فرهنگ» در ۱۰۱۸ صفحه و ۵۹۰۰ تومان در زمستان ۸۲ توسط نشر نی منتشر و در دسترس علاقه مندان حوزه زن، فرهنگ و مردم شناسی قرار گرفته است.

ایرانویج

سپیده رنجبر ، بهروز شادلو ، رضا فیروزآبادی ، کورش قاسمیان

E.mail:iranvidj@yahoo.com

دبیر سرویس
کامبیز مندگاری

رستم گریم‌دادی

مرز پر گهر

قطب

گر چه سفر به قطب جنوب برای تماشای کسوف عملی علمی بود ولی شکی در آن نیست که حضور دو ایرانی جوان بابک امین تفرشی و حمید خداشناس در جمع دانشمندان ۲۲ ملیت مختلف و برافروختن پرچم ایران در قطب توسط تنها گروهی که افتخار را نه تنها برای خود که برای ملت خود می خواستند دیگر تنها مضای علمی نمی دهد .

روز جمعه پنجم دی ماه ۱۳۸۲ همایشی در فرهنگسرای هنر (ارسباران) برگزار شد تا این دو جوان خاطرت سفر جنوبگان را سوار بر کشتی یخ شکن کاپیتان خلینیکف .

به گوش همه برسانند پیش از سخنرانی قرار گذاشتیم که با پایان برنامه اجازه مصاحبه با آنها داده شود و آنها چه مهربانانه آن را پذیرفتند ولی زمانیکه صحبت هایش به پیان رسید دیگر هیچ سوالی وجود نداشت آنها تمام آنچه که مشتاق شنیدنش بودم عنوان کرده بودند . آنها نشان دادند که با همت بالا و دست نسبتا خالی ، بی هیچ پشتوانه و حمایتی از سوی دولت می توان پیشرفت های بزرگ داشت کما اینکه این دو جوان آن را نشان دادند و این صدا تا مدتی پس از سخنرانی در گوش من بود که « همت بلند دار که مردان بزرگ ز همت بلن به جایی رسیده اند » .

نخستین بحث در ارتباط با نتایج بلن بود که به این صورت عنوان گردید اول تهیه یک فیلم مستند در حدود ۷۰ ساعت که به نام سایه در قاره سپید می باشد که به ایرانیان تقدیم کردند زیرا آنها بیشترین شادی را در زمانی داشتند که پرچم ایران را در برخهای جنوبگان فرو کردند و این فیلم که زاییده این تلاش آنها می باشد باید تقدیم به ایرانیان گردد و دو م اینکه آنها به عنوان دو ایرانی علاقمند در میان ۱۰۱ مسافر از ۲۲ ملیت مختلف بودند که خود را نشان دادند و با بردن تصاویری ا ایران و آسمان ایران تصویری را که در ذهن سایرین از ایران وجود داشت تغییر دادند تا جاییکه بودند که خود را نشان دادند و با بردن تصاویری از آسمان ایران و دانسته هایشان اطلاع یابند . آنها توانستند ارتباطی را که تنها در سطح میل و چند سخنرانی بود تا حد چشمگیری بالا ببرند و کشورها را علاقمند به آسمانی کنند که سقف ایران است . آسمانی که ستاره هایش گاه شمار و ماه تابش قهرمان اصلی قصه های مردمانش است .

نهایتا نتیجه ای که به عنوان بهترین نتیجه بدست آمده از سفر عنوان کردند پرچم ایران بود که امروز بادهای قطبی آن را می لرزند تا شکوه حماسه ایرانیان را به اهتزاز درآورد . آنها از سفرشان ، پنگوئین ها ، سکوت که واکنش آنها بود و سر و صدای آنها که همچون یک سمفونی زیبا بود گفتند ، از شفق قطبی که به قول حمید خداشناس آقای بابک امین تفرشی به ازای تمام ایرانیان آن را دیده بود گفتند ولی زمانیکه خواستیم آخرین پیام را از زبان آنان بشنویم تنها گفتند که از اینکه با دین پرچم در میان آن جمع حس می کردیم ایران حضور دارد لذت می بردیم . پس ما نیز به عنوان آخرین سخن می گوییم که ما نیز از جوانان ایرانی راضی هستیم و با آنان سر بلند زیرا جایگاه مناسب را در سراسر ایران یافتند و نام ایران را بر سر زبانها انداختند .

رازی گری در شاهنامه

احسان یغمایی-الیکا بقایی

بی هیچ تردید شاهنامه فردوسی ، بزرگ ترین کتاب ملی ایرانیان و پارسی زبانان است. این باور که بیش ترین سهم مانایی ، پایداری و هستی ایران در فراز و فرود رخدادهای تاریخی در لحظه هایی که از دست رفتن و سقوط ایران به مویی بسته بوده ، مدیون حماسه های همیشه ماندنی این کتاب می باشد، باوری است درست و شایسته . سخنی گزاف و دور از تعصب نیست اگر بگوییم راز پایداری ایران شاهنامه است . ایرانی آگاه ، زبان دان و پارسی نژادی نیست که شاهنامه را نخوانده باشد واز حماسه سرایی های فردوسی بر خود نبالد . ایرانیان از دیرباز و بسیار زود هنگام یعنی آنگاه که به مکتب خانه ها و سپس به دبستان رفته اند با شاهنامه آشنا شدند . حتی آنان که هیچ سواد خواندن یا نبشتن نداشته ونداردند سروده های فردوسی را در نقالی ها یا در شنیده هایشان و یاد خود نگه داشته اند و ... و امروز نیز چنین است چون سده های بسیار دور . بچه های دبستانی از خردسالی با شاهنامه آشنا می شوند و چندان شیفته این ابیات جادویی می گردند که تا پایان زندگی توشه راه خود می کنند، چه ا فسانه شگفت انگیز هفت خوان رستم و چه سوگ نامه رستم و سهراب. شاهنامه فردوسی دریایی است از اندیشه های بکر ، تصویر هایی که با چیره دستی زبان و واژه ها نقش اندازی شده است . دیدگاه هایی بسیار که نگرش به یک یک آن ها جسارت نیاز دارد ، چه سرشارند از اندیشه هایی ژرف ، گفتاری محکم و شیوا در نگرشی همه سویه شاهنامه کتابی است شگفت انگیز که گاه آدمی را ناباوری از خود می پرسد : آیا این اشعار زاییده افکار یک انسان است ؟ آیا توانایی‌های ایک انسان این شاهکار را به وجود آورده است ؟ آیا فردوسی انسانی ماوراء طبیعه نیست ؟ !در درازای هزارسال پس از سرودن شاهنامه ، این حماسه جاودان بارها و بارها از دیدگاههای گوناگون مورد پژوهش پارسی گویی ، زبان شناختی ، تاریخی ، اسطوره شناختی ، زیبا شناختی ، مردم شناختی و ... و صدها مواردی دیگر در این چارچوب قرار گرفته است. اینگونه با جرات می توان گفت به بیت بیت آن هزاران اندیشمند پارسی زبان ایرانی یا ایرانی نگریسته اند، کنکاش خود را نبشته اند، به پژوهش دیگران در این راستا پرداخته اند و هنوز حتی قطره ای از این اقیانوس را ننوشیده اند.

«رازی گری در شاهنامه » یا «فضای معماری در شاهنامه »نیز از این چارچوب بیرون نیست . از دیدگاه هایی چند به آن نگریسته شده اما بر این گمان هستیم که کمتر به آن پرداخته شده است ، بر خلاف گرشاسب نامه اسدی توسی که بسیار به رازی گری پرداخته ، متاسفانه فردوسی گفتاری چکیده ، کوتاه اما بسیار پر معنی دارد. فردوسی در میان هر نبرد به آرایش سپاهیان ، لباس رزم ، سلاح ، شیوه جنگ آرایی و حتی کشته شدن را به جزئیات شرح می دهد . صحنه های نبرد به شیوا ترین بیان پرداخته شده اند . چهره هاشان ، پهلوانان ، زنان ، قهرمانان خوب و بد و حتی لباس و جزئیات آرایش آنها با چیره دستی تمام در لباس شعر طراحی شده است. پرداخت فردوسی اینگونه است که می توان به این باور درست پای فشرد که فردوسی در خلق یکی از چند شاهکار انگشت شمار ادبی دنیا هیچ چیز را از یاد نبرد ، با این تفاوت که بسیاری از آنها پر رنگ تر ترسیم شده اند و مواردی چند خطوط کم رنگ تری دارند که از این گروه است رازی گری یا فضای معماری .

فردوسی در یاری گری و معماری در کتاب همیشه جاودان خود شاهنامه ، از ساخت و ساز ایوان ، آتشکده و آتش گاه ، سد و بند سازی ، شبستان ، خیمه و خرگاه و ... و مواردی زین گونه اشاره فرموده است. به نمونه هایی چند بسیار می پردازد و از برخی کوتاه و گذرا می گذرد . گاه شیوه ساختاری ، مصالح و مواد بکار رفته و حتی بلندا را مد نظر قرار داده و زمانی تنها به اسمی بسنده می کند و بس . گاه آراستگی و چیدمان آنها را همراه با ساختار بنا در هاله ای فروبرده و در پاره ای آراستگی در سایه روشن واژه ها جای می گیرد . اما آنگاه که به آراستگی ها می پردازد باز فضای معماری با همه خطوطی که در تاریکی است روشن می نماید ، چون این بیت

سراپرده از دیبه رنگ رنگ — بدو اندرون خیمه های پلنگ

و یا

فریدون شبستان یکایک بگشت — بر آن ماه رویان همه بر گذشت

حتی با نگاهی گذرا می توان دریافت که فردوسی به رازی گری و آثار پیشینیان خود آگاه و دانا بوده است . چه کاوش های باستان شناختی نیز گاه بر آگاهی های فردوسی استوار است و چون کلنگ باستان شناسان زمین را بکاود همه نشان ها همان گونه است که فرموده . نه بیش و نه کم ...

در این پژوهش که در بلندای اندیشه فردوسی و وسعت معرفت و آگاهی او ناچیزی بیش نیست ، نه تنها بر این است که به تشریح و توضیح فضاهای معماری پرداخته شود ، بل در مواردی چند به برابری آنها بر پایه کاوش های باستان شناختی نیز پرداخته است.

براستی زرتشت ایرانی نیست!؟

چندی پیش در حاشیه جشنواره تئاتر بین‌المللی ایران‌زمین ، مجالی دست داد تا چغازنبیل و آپادانا را از نزدیک ببینم . چغازنبیل از دل تاریخ سر برآورده و با همه بازی‌های روزگار ، پرشکوه بر سینه خاک ایستاده است ، روی پای خودش . از آپادانا اما تقریبا هیچ نمانده جز روح سرگردان تمدن پرشکوهی بر تپه‌یی. در چغازنبیل وقتی آجر نبشته‌یی را یافتیم که با سهل‌انگاری مثل سنگی بی‌ارزش در دل دیوار قرار گرفته بود، دلم گرفت .

دلم گرفت که چرا دیگران با وصله و پینه و به هزار ترفند می‌خواهند تاریخ بسازند برای خود و ما دست روی دست گذاشته‌ایم که همه چیز در انبوهی سهل‌انگاری و فراموش‌کاری‌مان گم شود. وقتی از احسان نراقی پرسیدیم که آیا ماجرای ثبت زرتشت به نام تاجیکستان در یونسکو صحت دارد او گفت که اگر صحت داشت زیاد تعجب نکنید که فهرست آثار و شخصیت‌های ایرانی ثبت شده به نام دیگر کشورها، فهرست بلند بالایی است .و همین است که دلم گرفته است ، دل هر ایرانی دیگری هم می‌گیرد اگر به عمق فاجعه‌یی آگاه باشد که بر سر هویت ملی‌مان می‌آید و دردناک‌تر اینکه دیگران در این میان کمترین نقش را دارند.

وقتی ایستاده بر تپه‌های اطراف چغازنبیل از یک کارشناس میراث فرهنگی پرسیدم چرا در این تپه‌ها کاوش نمی‌کنید، او در جواب گفت : «این جوری لااقل چیزی برای آیندگان باقی می‌ماند.»آن پاسخ البته در متن خود یک جور ادعانامه علیه ایرانیان معاصر هم بود و هست؛ چرا غرق در هیاهوی روزمرگی ، هویت ملی‌مان را می‌کشیم ؟راستی چرا؟

اخیرا زمزمه‌هایی شنیده شد، مبنی بر اینکه دولت همسایه و برادر تاجیکستان ، از سازمان بین‌المللی یونسکو خواسته تا «زرتشت» را به عنوان یکی از شخصیت‌های فرهنگی این کشور معرفی کند.

البته هنوز از بابت تصویب یا رد این پیشنهاد توسط سازمان بین المللی یونسکو مطلع نیستیم ، اما جهت پیگیری سعی کردیم تا نظر چند نفر از صاحبنظران در این مورد را جویا شویم .

دکتر احسان نراقی ، پژوهشگر، جامعه‌شناس و مشاور سازمان یونسکو در این باره گفت : تا جایی که مطلع هستم سازمان یونسکو از ثبت چنین چیزی خودداری کرده است ، اما با توجه به عدم توجه مسوولان فرهنگی به موضوع میراث فرهنگی نباید از شنیدن چنین زمزمه‌هایی متعجب شویم .

وی در ادامه گفت : سالها است به علت برخی جریانات و جانبداری‌های بیهوده به برخی سنن و شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی ایران بی‌اعتنایی شده است و این بی‌اعتنایی موجب شده تا برخی همسایگان و کشورهای نزدیک و دور به فکر غارت میراث فرهنگی و ثبت شخصیت‌های فرهنگی به نام کشور و ملت خود باشند.

نراقی تاکید کرد: تاکنون شاهد بوده‌ایم که ادعاهایی صورت گرفته و برخی کشورها اعلام کرده‌اند که بعضی شخصیت‌های فرهنگی ایران متعلق به آنها است . مثلا چون مقبره نظامی در گنجه ، رودکی در دوشنبه ، سنایی در غزنین ، مولوی در قونیه ، امیر خسرو دهلوی در دهلی و... بوده است ، پس این شخصیت‌ها متعلق به ممالکی غیر از ایران هستند. در حالی که این از عظمت فرهنگ و تمدن ایران است؛ فرهنگ و تمدنی که در جهان گسترده است .

همچنین «رستم آبادیان» ، رییس انجمن زرتشتیان تهران) درباره طرح دولت تاجیکستان به سازمان بین‌المللی یونسکو مبنی بر ثبت شخصیت فرهنگی ، تاریخی زرتشت به نام یکی از شخصیت‌های فرهنگی تاجیکستان ، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت : چندی پیش ، نامه‌یی از سازمان بین‌المللی یونسکو دریافت کردیم که در آن نامه از انجمن زرتشتیان ایران به دلیل حفظ و نگهداری میراث زرتشت تشکر و قدردانی شده بود اما در مورد ادعا و پیشنهاد دولت تاجیکستان بی‌اطلاعیم و نمی‌دانیم این امر تا چه اندازه صحت دارد.

آبادیان در ادامه به نبود موقعیت‌های مناسب برای حفظ ارزش‌های کهن دینی و فرهنگی و تاریخی سرزمین ایران اشاره کرد و گفت : تا زمانی که در حفظ و نگهداری میراث‌های فرهنگی و معنوی و دینی خود در سرزمینی که مهد تمدن میان رودان (بین‌النهرین) بوده است ، تلاش نکنیم ، این زمزمه‌ها و ادعاها دور از ذهن نیست و نباید از شنیدنشان متعجب شویم .

ما مردمان ایران زمین خودمان را با عظمت فرهنگ و تمدن ایرانی قانع می‌کنیم اما نسل‌های آینده ایران نیز با این دلیل قانع می‌شوند؟

دبیر سرویس
امید کاجیان
همکاران
فرنوش نیرپوسنگی ،ترینی دهمورد، رامین و رامتین خسروپانی ، آرش نورافروز ، - شهرام پوردهی ،اردشیر کیانی، بهنام مرادیان

سینه لرزان یار و شهر بی سامان بهم
هر دو لرزانند اما این کجا و آن کجا
زنده داران شب و آن بیکسان در شهر بهم
هر دو بیدارند اما این کجا و آن کجا
زالوی خونخوار نهر و هم جناب محتکر
هر دو خونخوارند اما این کجا و آن کجا
تاجر بازاری و آن بینوای گوژپشت
هر دو بیکارند اما این کجا و آن کجا
آدم تریاکی و گردن کلفت نعره کش
هر دو بیمارند اما این کجا و آن کجا
مردک محتاج نان و کاسب فرصت طلب
هر دو جاندارند اما این کجا و آن کجا
شعر بی مغز من و دیوان حافظ را ببین
هر دو اشعارند اما این کجا و آن کجا

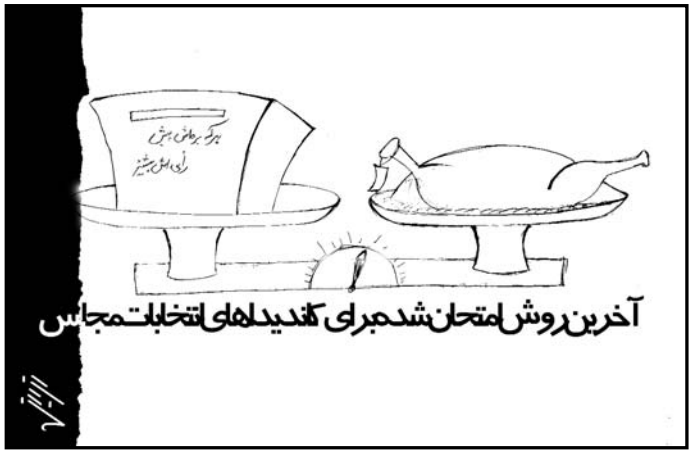

یک مطلب بی سر و ته از یک منبع موثق !

همه ما دانشمندان و فرهیختگان که هر یک در زمینه های علمی ید طولایی (به چه اندازه معلوم نیست) داریم و همه ما این همه دانش و کمال را مدیون مراکز، کالج ها و دانشگاههایی هستیم که مثلا در آنها این آموزشها را دیده ایم : اکنون به بررسی یکی از دبیرستان های جامعه می‌پردازیم ،البته با چاشنی چکاچک .

روز ها گر رفت گو رو باک نیست
تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست
«مولوی»

پس در ابتدا یادی از بنیانگذار آن کردیم با بیتی از مولانا .

یک موسسه آموزشی ، آن هم از نوع دولتی از سه جزء تشکیل شده است: ۱- ساختمان ۲- کادر ۳- دانش آموزان

ساختمان این دبیرستان ویژگیهای خاص خود را دارد .هر کس که از در تو می آید و نگاه بالا می کند، نگاهی هم به پشت سرش می کند، که نکند خدای نکرده اشتباه آمده باشد شهرک سینمایی . طاقهای نمای آن در طرف چپ میاط آخر حال است. و بعضی از دوستان بیشتر حال می کنند و می روند، در اندرون آن می نشینند. من هم یکبار نشستم ،کلی حال داد. در درون هم این مناظر وجود دارد که البته بدون حضور دانش آموزان عادی است .

اما کادر، کادر هر مرکز آموزشی به دو قسمت تقسیم می شود .کادر مدیریت و کادر تدریس .و خود کادر مدیریت دو قسمت است کادر دفتری و کادر معاونت .البته به خاطر اوج سیستم بندی است وگرنه اشتباه نکنید صفحه مدیریت کلان را باز نکرده اید! کادر تدریس ما هم البته ویژگیهای خاص خودش را دارد و لازم به ذکر است که من باز در اینجا از تجربیات و محاسن سفیدم برایتان بگویم که :در طول این چندین سال تحصیل و علم آموزی من ،هیچ دبیری را ندیدم که یک ویژگی خاص نداشته باشد»در ضمن در دروس مختلف ،دبیران گونه گون داریم که چون داستان طولانی می شود و مزه طنز به کوتاهی است،حال خود را ضایع نمی کنم، ناسلامتی من یک منبع موثق هستم ،الکی که نیست!

قسمت اصلی داستان ، دانش آموزان هستند که ما شاهزادگان و اعیان و اشراف و خردمندان به دو و نیم دسته مذهبی تقسیم می شویم ،ارامنه مقیم پایتخت ،دوستان خودمانی و نیم دسته بقیه دوستان هستند. ما از لحاظ خرد به سه دسته تقسیم می شویم . دسته ای خنگ هستند ، دسته ای خود را به خنگی می زنند و دسته سوم کسانی هستند که شامل دو دسته پیشین نیستند!

مبحث دیگر دانش آموزان مساله PH است . PH علاوه بر تعیین محیط بر اساس اسیدی یا باز بودن ،برای تعیین حماقت نیز (افیرا) به کار می رود. هر چه PH بالاتر باشد و به عبارتی باازتر باشند ،دانش آموزان محترم با عرض پوزش ،رویم به دیوار ، گلاب به روتون ، احمق تر هستند. و این واقعا داستان پیچیده ایست و اوج آن در دروس تخصصی است.

مساله بعد ، داستان انرژی است، دانش آموزان ما به قدری قوی هیکل هستند که دیوار را هم از جا در می آورند، باور نمی کنید بیایید و ببینید . اخلاق هم که یک چیز دیگر است . دوستان ما اخلاق عالی و دودهن بسیار توپی هم دارند ،عفت کلام در اوج خود به سر می برد .دیر بجنبی ،هر چه از دهان دوستان ممکن است در نیاید به سمت می آید و تو هیچ راهکاری نداری.در این میان من هر چه این اساتید را به راه راست هدایت می کنم مگر می شود؟ هر چقدر روی تخته از غزلیات شیخ شیراز ،ابیات ناب می نویسم و هر چه آنها را موعظه می کنم مگر نتیجه می دهد؟ من که زبانم پشم و پود در آورده است،شما نیز مرا یاری کنید .

امتحانها هم دنیای خاص خود را دارد، آنقدر بعضیها چسب اند که از دویست متر آن طرف تر ،پیر و پدر آدم را در می آورند ، آنقدر گیر می دهند که اعصاب آدم تبدیل به گوشت چرخکرده می شود.

Mr Rainbow **آقای رنگین کمان**

کمی حرف حساب!

نویسنده: گیومرث صابری

ظاهراً صبح روز شنبه چهارم بهمن ۱۳۸۲ بود که پیامی به زبان فارسی و با حروف لاتین (فرنگی) در صفحه تلفن همراهم ثبت شد. می گویم «ظاهراً» چون زنگ تلفن همراه اینجانب همه روزه تا ظهر بسته است و در بعداز ظهر بود که متوجه این پیام ، یا به قول مخابراتی ها S.M.S شدم. متن پیام به اختصار بیشتر ، این بود که «من اگر جای شما بودم ، چیزی در باره برنامه طنز ... که دیشب از تلویزیون پخش شد، می نوشتم». (نقطه چین در سطر بالا از نگارنده است). اگر نبود این واقعیت که ۹ پیام دیگر با همان مضمون از همان روز تا امروز بر صفحه همان موبایل ثبت شده (و هنوز دارد می شود) لابد این یکی را هم مثل بعض مسائل دیگر ، زیرسیبیلی در می کردیم و کمافی السابق کشک‌مان را می‌ساییدیم. چرا که یکی از حکمای ناقص العقل معاصر گفته است: «بی‌خیالی بهتر از کج‌خیالی و بی‌آزاری بهتر از مردم آزاری و بیکاری بهتر از کم‌کاری و سکوت، طلاست!» و اگر کسی بگوید که ما این جمله آخر را از جایی کش رفته و به حرف های من درآوردی خودمان افزوده‌ایم ، پس لابد به جای اینکه به کته عرایض‌مان پی ببرد. می‌خواهد به زبان بی‌زبانی بگوید که آن حکیم ناقص العقل ، همین مای گل آقاییم. و البته ما از همان اولین مرتبه‌ای که دیوان خواجه حافظ شیرازی را در ایام صباوت به قصد تفأل گشودیم ، با خودمان دو تا عهد بستیم: نخست آنکه جدل با سخن حق نکنیم. و دیگر آنکه: در چند شماره قبل روزنامه یاس نو مقالتی حوالت به حال و روز بهزاد نبوی نموده، از او به عنوان «مستشار مؤتمن» نام برده بودیم که حروفچین و نمونه‌خوان و ویراستار با سردبیر و مدیر مسئول و صاحب امتیاز روزنامه و بوق‌های استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی (و غیره ...) دست به یکی کرده، مؤتمن را به «مؤمن» تبدیل نموده، و البته آن بهزاد نبوی کسی نیست که در جای مسلمانی اش زیر سؤال رفته باشد و آن وقت ما به همچین کسی گفته باشیم مؤمن! (خودمانیم، تصحیح یک مقاله قبلی در مقاله بعدی را با یک همچین ترفندی، در عمرتان دیده بودید؟ حالا کجاشو دیده‌اید!)

باری ، ما تاکنون هفشده بار به برادران صدا و سیما تذکر داده‌ایم که «طنز» در واقع یک «نوع» (گونه Genre)ادبی می باشد و اگر با آن بازی در بیاورند، دیگر اسمش می شود «کمدی» فلذاست که تا حال التحریر هیچکس به چارلی چاپلین و باستر کیتون و علیرضا خمسه و اکبر عمدی، نگفته است «طنزپرداز» و لابد به کارشان هم گفته‌اند «کمدی» و البته تا واژه‌گزینان فرهنگستان از برای این مطلب فکر معقولی نفرموده باشند، باید به این قبیل اشخاص گفته شود «کمدین»!

این از این ، از آن طرف ، «شوخ طبعی» را بعضاً تقسیم کرده‌اند به: فکاهه و هزل و هجو و امثال ذلک ، و از بد روزگار «طنز» را هم در ذیل همین مدخل وارد نموده‌اند. فلذا همانطور که هر گردی گردو نیست، پس نتیجه می گیریم که هر چیزی طنز نیست، ولو بخواهند آن را با صد من سریش و هزار ضرب و زور به اسم «طنز» به خورد بیننده و خواننده و شنونده بدهند. و لابد شنونده باید عاقل باشد (بیننده و خواننده هم به هکذا) و در مابقی موارد هم اگر عقل چیز زائدی نباشد، اجمالاً چیز لازمی هم به حساب نمی‌آید و چه بسا مایه دردسر هم بشود که برطبق تحقیق و تفحصی که ما شخصاً نموده‌ایم، بعضاً همینجور هم بوده و شده.

ختم سخن آنکه: معیار طنز «حق» است و تأثیر قاطع طنز هم در همین است. لذا کسی یا کسانی که در طریق حق گام برمی‌دارند، هیچگاه در طول تاریخ سوژه طنز نبوده‌اند و نخواهند بود و اگر بوده‌اند، پس آن چیز «طنز» نبوده است. پس هرکس با حق در افتاد، برافتاد. خواه شخص باشد یا روزنامه باشد یا رادیو باشد یا حزب باشد یا جناح باشد یا تلویزیون باشد و البته حرف ما که گل آقاییم دیر و زود دارد، ولی سوخت و ساز ندارد.

مؤخره: حالا این وسط کسی بقه ما را نگیرد که پس پیا و در روزه سیاسی هم مشارکت بفرما! ما تصدیق دکتر و عذر موجه داریم که به جهت نیل به آستانه کهولت ، از هر قسم روزه سیاسی معاف بوده ، ولی «افطار سیاسی» چرا. از این حیث منعی نیست. منتهای مراتب ، آدم باید عقلش پاره سنگ بردارد که هم فراجناحی باشد هم یک طرف دعوا. یعنی افطار سیاسی مال گیرندگان روزه سیاسی است. حد و حق ما کمی تا قسمتی «طنز سیاسی» بود که از این حیث هم فعلاً به قول شاغلام ، ترکیده‌ایم...(×)

پاورقی:

×- از مصدر ترکیدن به معنای ترک کردن! به قیاس جغنگیدن مثال از متون قدیمه: «به هر جغنگیاتی نام «طنز» دادن و با آن تصفیه حساب کردن ، آخر و عاقبت ندارد. مصراع: چندین چراغ دارد و بیراهه می رود»

مسافری از ریاضیات

بی تردید همه شما سریال زیبای (الکی) مسافری از هند را با ذوق و شوق خاصی دنبال می کردید ، لابد آن شعر آخرش را هم می شنیدید و کلی باهاش حال می بردید، ماهم این شعر را به کارگردان و بازیگرانی تقدیم می کنیم که چند ماهی مردم را سر کار گذاشتند .

ازجذر من تا ضرب تو — راهی به جز تفریق نیست
دلخوش به مجذورم نکن — اینجا مگر تقسیم نیست
در رادیکال عشق ما — هی بشکند تانژانت تو
چیزی نچرخد بهتر از — سینوس من آلفای تو
وای دو(y) اگر عاشق شود — بی پرده x هم دو شود
چیزی شبیه معجزه — با جذر ممکن می شود
گر x داری در سوال — جایی برای ترس نیست
در انتهای مساله — دیگر مجال بحث نیست

توضیحات :می توانید شعر فوق را با اندکی لوس بازی هندی کنید!

سینما در دادگاه

خودت را معرفی کن :
نام پدر :
شماره شناسنامه :
نام مادر :
محل تولد :
میزان تحصیلات :
محل دستگیری:
جرم :
میدونی این کارها یعنی چی؟
پس چرا دست به این کار زدی؟
از کی دستور می گیری ؟
رای دادگاه :
حرفی برای گفتن نداری؟

من ترانه ۱۵ سال دارم
مردی به نام هیرو
عشق + ۲
دختری به نام تندر
زیر آسمان شهر
دبیرستان
جاده سبزه شمالی
دزد عروسکها
بازی با مرگ
به خاطر یک مشت دلار
مدیر کل
تیرباران
می خواهم زنده بمانم

ضرب المثل های انتخاباتی و غیر انتخاباتی شاهین قرقی و رفقا

آب که گل آلود میشه طرف دبیر خانه دائمی تشکیل میده
یارو رو توده راه نمی دادن می گفت من می خوام وکیل بشم
هر کی از ننش قهر می کنه میره برای انیمن ثبت نام می کنه
تو که لالایی بلدی چرا مهد کودک و نمی کنی ؟
با هلوا هلوا آدم نماینده مجلس نمیشه
سال به سال دریغ از نماینده های پارسال
به نماینده گفتن مشکلات مملکت رو مل کن گفت من نماینده زرتشتیانم . گفتن مشکلات زرتشتیان رو مل کن گفت من نماینده ملت ایرانم .

آب که سربالا بره ، نماینده ماهی ۱/۴۰۰/۰۰۰ تومن حقوق میگیره .

فلفل نبین چه ریزه ،بذار نماینده مجلس بشه ببین چه تیزه

پشت کریوان بلند سیماقی

فصل برداشت زرشک !

نمی دانم چرا هر وقت نزدیک می شویم ، نا خودآگاه به یاد زرشک پلو می افتم . البته مرغ هم دارد . این نکته را البته نباید فراموش کنیم که کار ارزشمند آن دوست عزیزمان که چهار سال پیش با سرو کردن پرس های متعددی از زرشک پلو که مرغ هم داشت ، - حال و هوای دیگر به انتخابات بخشید ، در این حس و حال من بی تأثیر نبوده است .

در هر صورت امسال یک بنگاه تبلیغاتی ، روش های جدیدی را برای تبلیغات انتخاباتی باب کرده است تا دیگر هر کس نتواند با چند عدد زرشک و چند کیلو برنج و چند تکه گوشت مرغ ، ملت همیشه در صحنه را نمک گیر کند و شورش را در بیاورد .

این شیوه جدید تبلیغاتی بر پایه تعداد آرا قرار دارد و شخص کاندیدا لازم است تا برای هر تعداد رأی که می خواهد ، طعام مربوط را در تیراژ مناسب توزیع کند . بخشی از تعرفه های این بنگاه تبلیغاتی به این گونه است :

۱.تعداد آرای بالای ۵۰۰۰ نفر — بره بریان با سالاد و بستنی
۲.تعداد آرای بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر — بوقلمون بریان با سالاد و بستنی
۳.تعداد آرای بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر — باقالپلوی اعلا با گوشت بره و سالاد و بستنی
۴.تعداد آرای بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر — زرشک پلو با مرغ مادر و سالاد و بستنی (البته مرغ مادر هیچ ربطی به انجمن مادر ندارد)
۵.تعداد آرای بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر — چلوقرمه سبزی با شمبلیله فراوان و سالاد و بستنی
۶.تعداد آرای زیر ۱۰۰۰ نفر — سالاد و بستنی
۷.تعداد آرای زیر ۵۰۰ نفر — فقط بستنی
۸.تعداد آرای زیر ۱۰۰ نفر — به دلیل نداشتن صرفه اقتصادی

هر یک ارز رأی دهندگان موظف هستند یک لیوان شیر موز به شخص کاندیدا بدهند

توضیح : تیراژ همه غذاها بر عهده سازمانی خاص و نوشابه الزامی و با غذا داده می شود .

رسم مهمان نوازی !

جشن سده بود . به کوشک رفته بودیم . دیدیم که در میدان کوشک جوانان زرتشتی چند غرفه زده اند و دارند کتاب و سالنامه و سی دی کامپیوتری و ... خلاصه به قول معروف محصولات فرهنگی می فروشند .پرس و جو کردیم و فهمیدیم که هر کدام از غرفه ها را ۵۰ هزار تومان ناقابل اجاره داده اند .

بالاتر که رفتیم دیدیم که غرفه ای زده اند و در آن خوراکی می‌فروشند . از آش گرفته تا پفک . دو تا کاسه آش گرفتیم . وقتی می‌خواستیم پولش را بدهیم یهو برق از کله مان پرید . هر کاسه آش که تا نصف آن پر بود و شامل کمی آب ، ۷ یا ۸ عدد لوبیای خام ، ۱۰ تا ۱۲ عدد نخود خام و چند عدد جگر زلیخا ! بخشید پیاز ! می شد ، ۵۰۰ تومان قیمت داشت . پرس و جو کردیم و فهمیدیم این غرفه را برای اثبات مهمان نوازی به طور رایگان به غیر زرتشتیان اجاره داده اند . کاسه نصفه آش را در سطل زباله انداختیم و درودی (البته آنچنان درودی) بر گردانندگان جشن فرستادیم و رفتیم .

جدول با جایزه

شماره ۱۶ (مادر)

تنظیم و طرح: شاهرخ وخشوری

جایزه پاسخ درست این شماره جدول نیز یک ربع سکه بهار آزادی است که از سوی فرزانه شاهرخ وخشوری تقبل شده است و به قید قرعه به برنده جدول تقدیم می‌کنیم .از امروز تا ۸۲/۱۲/۲۰ وقت دارید تا جدول کامل شده را با ذکر مشخصات کامل و شماره تلفن تماس به آدرس تهران ،صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۱۳۹ پست کنید و روی پاکت بنویسید :«حل جدول شماره ۱۶ (مادر)

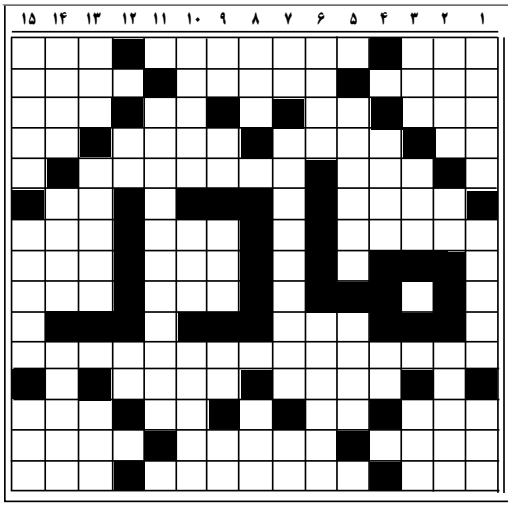

افقی

۱- اقلیت‌های دینی به دنبال برابری آن بودند - باتلاقی در اصفهان - زنگ ، سخن گفن ، نغمه سرودن ۲- بهشت زیر پای اوست - فرمانده قشون ،رئیس - قلعه مستحکم ۳- افسوس ، پشیمانی ،دریغ - تکرار یک حرف - واحد پول ژاپن - کلمه تردید و دودلی ۴- ترکیده و شکسته ، فرو رفته بر اثر ضربه - جاری - عمق آب ،ته آب - صد متر مربع ۵- نوعی بیماری پوستی - گوینده حرف پوچ وبی معنی ۶- چنین خوش بودن هم عالمی دارد - سعی ،کوشش ۷- واحد پول سابق اسپانیا - پهلوان - بزرگی ،کوشا ۸- رنگ - برابر ۹- مرغ سعادت - بی‌زبان ۱۰- قفسه دیواری ۱۱- اعلام نمایندگی پارلمان ۱۲- خیانت کننده - جاده شن ریزی شده ۱۳- بالا ، بلند - جنس به ظاهر قوی - ماده کشنده - لکه بدنامی زدن ۱۴- مردار - خشکی مزاج - سرنیزه ۱۵- حالت بی‌هوشی - وزیران بزرگ دربار - صدای به هم خوردن دو چیز

عمودی

۱- پیش رفتگی خشکی در آب - البسه - آسمان ۲- طرف چپ - طمع - استوار کردن ، کار محکم کردن ۳- نشانه - حلق - جدول شماره ده ۴- نوعی موشک - دختر ۵- جوی معروف مولانا - کیان بنویسید ۶- نام‌ها - مدیر بودن ۷- حرف یاوه - حاجت مندان ،محتاجان. حرف همراهی۸- آفریدگار جهان - نیک ۹- حرف تعجب - شامه نواز - رمه - پنبه پاک نکرده - تکان ۱۰- نر ،مذکر - روز عرب - ده ۱۱- ملت پرستی ، ملت خواهی ۱۲- میوه ،ثمر - بخار آب نزدیک به زمین ۱۳- درخشش - سهل‌انگاری - قطب مثبت ۱۴- خدای هندو - جدا از هم - کشور عربی ۱۵- در آسمان بجوئید - شهری که کندی در آن کشته شد - لال

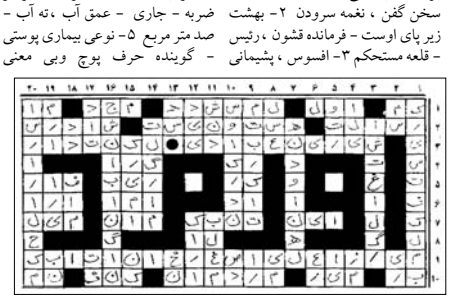

کاش در دوبی برج می‌ساختم

گفتگوی کیوان هور با پرویز روانی

نماینده سابق زرتشتیان

در مجلس شورای اسلامی

وارد که شدم ، روی یک میز بزرگ چوبی پر بود از پوشه های رنگارنگی که آنها هم پر بودند از کاغذ های بزرگ و کوچک . پشت میز هم مردی نشسته بود که چهره اش برای زرتشتیان ایران آشنا بود ، چون او نزدیک به هفت سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی بود . پس از چند لحظه فهمیدم که آن پوشه ها تمام پرونده ها و نامه هایی است که در طول این چهار سال با آنها سروکار داشته است .

چند روز پیش هنگامی که با او به مجلس رفتم تا از دوستان قدیمی که هنوز نمایندگی مجلس را بر عهده دارند دیداری داشته باشد ، بیشتر او را شناختم . شاید هفت سال نمایندگی مجلس از او شخصیتی ساخته بود دوست داشتنی و مقبول در بین همکاران .در بین نمایندگان مجلس همه او را به گرمی می پذیرفتند، با او سلام و احوالپرسی می کردند و در آغوشش می‌گرفتند و چون یک دوست قدیمی با او صحبت می کردند . دبیر کمیسیون ساختمان مجلس به من گفت : شاید بتوان گفت مهندس روانی یکی از شخصیت های بارز مجلس در چند سال اخیر بوده است .

مهندس پرویز روانی در انتخابات میاندوره‌ای مجلس وارد صحنه شد و به مدت ۷ سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی بود . به سراغش رفتیم تا از دوران نمایندگی اش بپرسیم چه در دوران او هنوز «امرداد » متولد نشده بود ، وگرنه زودتر از این ها باید چشم به راه پرسش های ما بود ...

آقای روانی ، یکی از مسایلی که در زمان نمایندگی شما مطرح بود و هنوز هم هست ، مسئله زمین های قصر فیروزه است . در مورد چگونگی انجام کارهای این زمین توضیحی می دهید ؟

بله ، البته رفتن سپاه به زمین های قصر فیروزه از آنجا شروع می شود که انجمن زرتشتیان تهران، درست یادم نیست ولی فکر کنم گردش ۳۴، در زمان جنگ نامه ای به سپاه می دهند و به آنها مجوز می‌دهند تا از این زمین ها برای مانور استفاده کنند . البته اکر این نامه رابه سپاه نمی دادند ارگان دیگری می آمد و این کار را می کرد .

به هر حال کم کم سپاه شروع می کند به ساختن تأسیسات روی این زمین ها .وقتی من در انتخابات میاندوره ای مجلس چهارم انتخاب شدم ، آمدم و شروع کردم به یک سری نامه نگاری و اقداماتی هم کردم که سپاه بپذیرد این زمین ها وقف است. مدتی وقت گذاشتیم تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پذیرفت که قصر فیروزه زمین وقفی است و انجمن زرتشتیان تهران متولی آن است و باید حق و حقوق متولی را بدهند . البته سپاه می گفت که در اینجا ساخت و سازهای بسیاری شده است و امکان تخلیه وجود ندارد . اما قول داد که حق و حقوق انجمن را بدهد ، ولی خیلی طول کشید و خبری نشد .

با جلسات متعددی که با آقای شمخانی ، وزیر دفاع در قصر فیروزه و با حضور نمایندگان انجمن داشتیم ، آقای شمخانی در کمیسیون دفاع قول دادند که ظرف ۲ یا ۳ ماه رضایت انجمن را بگیرند و حقوق آنها را بدهند . این حقوق عبارت بود از اجاره این زمین ها یا تخلیه آنها و یا دادن زمین معوض به جای زمین های قصر فیروزه .که تصمیم گیری در این مورد بر عهده انجمن زرتشتیان تهران بود که کدام شرایط را بپذیرد .

پس هیچگاه صحبت از فروش این زمین‌ها نبود ؟

نخیر ، هیچوقت صحبتی در مورد فروش و یا حتی گرفتن پذیره و سرقفلی مطرح نبود .

اما انجمن در آن زمان مجمعی برگزار کرد تا موافقت مجمع را برای پذیرفتن پذیره از سپاه جلب کند ؟

این دیگر از اختیارات انجمن بود . من در آن زمان چون در مسافرت بودم در آن مجمع شرکت نداشتم ، اما عقیده ام بر این بود که هر چیزی که مجمع تصویب می کند باید از آن پیروی کرد .

مسئله دیگری که در زمان شما مطرح بود، آدریان بزرگ بود . شما چه اقداماتی در این مورد انجام دادید ؟

یکی از کارهای کلانی که انجام دادم و یکی از اهداف من برای نمایندگی این بود که بتوانم زمین آدریان بزرگ را از طرح شهرداری خارج کنم که با کمک خدا توانستم این کار را انجام دهم .

چگونه این کار انجام شد ؟

در آن زمان هنوز آقای کرباسچی شهردار تهران بود . بارها برایش نامه نوشتم و چندین بار هم حضوری به نزد ایشان رفتم . اما به هیچ وجه زیر بار نمی رفت و می‌گفت زرتشتیان که ثروتمند هستند .

دروان با استناد به پرونده‌های دوران نمایندگی اش صحبت می‌کرد

شهرداری می گفت این زمین در طرح است و هر موقع که شهرداری پولدار شد این زمین را به قیمت منطقه ای که بسیار کم بود می خرد . وقتی دیدم از این طریق نتیجه ای ندارد از راه دیگری وارد شدم .

یعنی برنامه ریزی برای کارهایتان داشتید ؟

بله دقیقا ، طرحی تهیه کردم و به مجلس دادم که به موجب آن مجلس باید یک نماینده ناظر در شورای عالی معماری و شهرسازی داشته باشد . خودم هم به عنوان مخبر کمیسیون ساختمان از این طرح دفاع کردم . خوشبختانه این طرح در مجلس تصویب شد و بعد هم با لطف اعضای کمیسیون ساختمان آن دوره و با اکثریت آرا به عنوان نماینده ناظر مجلس در شورای عالی معماری و شهر سازی انتخاب شدم . و کار راشروع کردم .

با وجود خطر غصب مجدد زمین آدریان بزرگ بهتر است انجمن زرتشتیان تهران با بودجه ای که دارد کار ساخت آنجا را آغاز کند آقای دبستانی به من قول داد این را از انجمن بخواهد

آقای عبدالعلی زاده که در آن زمان وزیر مسکن و شهر سازی و یکی از اعضای این شورا بود ، با آشنایی که با او پیدا کردم ، در یکی از مراسم سدره پوشی در تالار خسروی دعوتش کردم . وقتی مراسم را دید به من گفت این که می گوید زرتشتیان آتش پرست هستند کاملا اشتباه است و من امروز خودم دیدم که آنها هم خدا را می پرستند . من هم به او گفتم که این سالن تنها مکان این جماعت برای برگزاری مراسم است. یک زمین ما را در یوسف آباد شهرداری گرفته است . او هم در همان جا قول داد تا این زمین را آزاد کند . من هم در سالن اعلام کردم و انصافا هم با پیگیری های وی و خودم بالاخره کمیسیون ماده ۵ شهرداری که یکی از اعضای آن معاون وزیر مسکن و شهر سازی بود تصویب کرد که این زمین از طرح خارج شود .

بعد هم از شهرداری نامه ای گرفتم که چون این زمین موقوفه است ، عوارضی برای جواز آن گرفته نشود .

عده ای اعتراض می کنند که تراکمی را که شما برای آنجا گرفتید کم بود و چرا بیشتر نگرفتید ؟

بله ،اما اعتراض آنها به دو دلیل بی مورد است : اولا اگر کسی می خواهد در مورد تراکم اعتراض کند ، باید مالک آنجا باشد یعنی انجمن و نه من . دوم اینکه انصافا در آن زمان هدف ما این بود که زمین از طرح خارج شود . با صحبتی که بود گفتند شما این مقدار تراکم را بسازید ، اگر خواستید باز هم می دهیم . ضمن اینکه در آن زمان ۵ نفر از مهندسان نقشه ای را کشیده بودند که شامل بخش های مختلف می شد که در فاز های مختلف باید ساخته می شد . ما می توانستیم فاز اول را بسازیم و بعد باز هم تقاضای تراکم کنیم .

چه مقدار تراکم برای این زمین گرفتید ؟

۴۰درصد مساحت زمین . یعنی چیزی در حدود ۷۰۰۰ متر مربع . اما ببینید ، همیشه - سنگ بزرگ علامت نزدن است . اول باید همین ۷۰۰۰ متر را ساخت بعد تقاضای تراکم کرد . اگر شما ۲۰۰ درصد هم تراکم داشته باشید ولی نسازید فایده ای ندارد .

پیشنهاد شما چیست ؟

البته توقف کار آدریان به دلیل سرایدار آنجا بوده است . اما فکر می‌کنم موضوع سرایدار زیر بار نمی رفت و خودش هم گفته است که روز ها کارگران می‌توانند کار کنند . شبها هم کمتر کارگری پیدا می شود که بماند . تازه کارگر ها یک جوری با هم کنار می آیند . با وجود خطر غصب مجدد این زمین بهتر است انجمن زرتشتیان تهران با بودجه ای که دارد کار ساخت آنجا را آغاز کند . من در پایان دوره ام از آقای دبستانی خواستم تا از انجمن این را بخواهد ایشان هم قول دادند که این کار را انجام دهند .

یکی از مشکلاتی که جامعه زرتشتی و اقلیت ها دارند مشکل ارث و دیه است . شما برای حل این مشکل چه اقدامی انجام دادید ؟

در مورد ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی در مورد ارث ، من طرحی تهیه کردم که متأسفانه با جو آن زمان مجلس نمایندگان به اندازه کافی آن را امضاء نکردند و به هر دری هم زدم از جمله صحبت با آقای باهنر نماینده تهران و فاکر نماینده مشهد نتیجه ای نداشت.

می خواستم وقت بگیرم و بروم خدمت مقام معظم رهبری و بگویم که این ها تبعیض است و به نفع نظام نیست که نشد. به آقای خاتمی هم گفتم که متأسفانه هیچ موفقیتی حاصل نشد .

اما اکنون مجلس ششم بسیار برای این کار آمادگی دارد و خوشبختانه دیه هم در مجلس تصویب شد . در مورد دیه در قانون مجازات اسلامی صحبتی از دیه غیر مسلمان نشده است و من در آن زمان گفتم که اگر شرایط مساوی نمی گذارید ، لا اقل شرایط غیر مساوی را هم ذکر نکنید . اما به هر حال دادگاه ها طبق قانون اساسی نباید احکامی مخالف با اسلام بدهند .

یکی از کار هایی که در دوران شما انجام شد ادغام انجمن مرکزی یزد با انجمن یزد بود ؟

بله ، یکی از نخستین کار هایی که من انجام دادم سعی من بود تا هر طور که شده اختلاف بین انجمن مرکزی یزد که آقای بهمن رییس ریاست آن را بر عهده داشتند با انجمن زرتشتیان یزد از بین ببرم که خوشبختانه در آن زمان این تغییر و تحول انجام شد و مدارک انجمن مرکزی تحویل انجمن یزد شد .

آقای روانی ، مدتی پیش اساسنامه ای از طرف دبیرخانه کنگره های جهانی زرتشتیان تدوین شده بود که بسیاری با آن مخالفت کردند . نظر شما در این مورد چیست ؟

من از آن اساسنامه بی خبر هستم . اما در مورد دبیرخانه کنگره باید بگویم که قرار بود این دبیرخانه تا رسیدن به اهداف کنگره ششم باقی بماند . اما بعد تصمیم گرفتند که ادامه یابد و دیگر من در جریان نیستم .

اما آن اساسنامه به نوعی در امور داخلی انجمن ها دخالت می کرد و از سویی دیگر نیازی به یک انجمن مرکزی مانند اتحادیه اصناف در جامعه وجود دارد . نظر شما چیست ؟

من معتقدم که انجمن ها باید مستقل باشند ، چون هر یک فرهنگ ها و موارد مخصوص به خود را دارند . اما یک هماهنگ کننده لازم است تا هر چند وقت یکبار اعضای انجمن ها یکدیگر را ببینند و در مورد ارتباط با انجمن های خارج از کشور و کارهای مملکتی و کلان هماهنگی داشته باشند .

آقای روانی ، از برج سازی در دوبی چه خبر ؟ !

والله خودم هم از این موضوع خبر ندارم .وقتی که این جا آمدم چیز های عجیب و غریبی شنیدم . اما اگر در دوبی برجی هم داشتم بد نبود . مگر چه عیبی دارد ؟ حیف که ندارم . اما هیچگاه در دوبی فعالیتی نداشته و ندارم .

یکی از انتقاداتی که به شما می شد این بود که چرا یک سال مانده به پایان دوره خود ایران را ترک کرده و به کانادا رفتید ؟

در آن موقع شرایط خاصی داشتم . در آخر دوره دیگر نیرو و توان من برای چک و چانه زدن تمام شده بود و اعصاب من کاملا به هم ریخته بود . ضمن اینکه همسرم هم مشغول ادامه تحصیل بود و مجبور شدم تا به خارج از کشور بروم .

بخشش نماینده باید بسیار باشد و از کسی کینه‌ای به دل نگیرد .

برای مصلحت جامعه گاهی اوقات باید کارهایی انجام داد که با عقاید شخصی مخالف است .

فکر می کنم این کار اعصاب و تحمل بالایی می‌خواهد که من بیش از این توان را در خودم ندیدن و تصمیم به ترک این صندلی گرفتم .

زندگی زرتشتیان کانادا چگونه است ؟

زرتشتیان در کانادا مشکلات دیگری دارند . در آنجا کار فرهنگی باید بسیار بیشتر از این باشد تا شاهد گسستگی فرهنگی نسبت به ایران و تزلزل پایه های دین بهی در آنجا نباشیم. چون تغییر فرهنگی در آنجا بسیار سریعتر صورت می گیرد .

فکر می کنید بزرگترین نقطه ضعف جامعه زرتشتی ایرانی چیست ؟

فکر می کنم که افراد خیلی زود و بدون تحقیق هر حرفی را باور می کنند که این هم به دلیل فرهنگ راستگویی آنهاست که فکر می کنند هر چه گفته می شود راست است .

و آخرین پرسش به عنوان کسی که ۷ سال تجربه نمایندگی را داشته اید ، ویژگی های یک نماینده خوب را چه می دانید ؟

نماینده زرتشتیان باید نخست پیرو اندیشه ، گفتار و کردار نیک باشد . نماینده باید توانایی مالی کافی داشته باشد و به قول معروف - دستش در جیبش باشد تا بتواند در مواقع لازم کمک کند . چون ما در جامعه زرتشتی به تبع جامعه بزرگ ایران افراد نیازمند داریم . نماینده نباید به جایی وابسته باشد .

بخشش نماینده باید بسیار باشد و از کسی کینه‌ای به دل نگیرد . من تا پیش از آنکه نماینده شوم جلوی هیچکس تعظیم نمی کردم. اما برای مصلحت جامعه گاهی اوقات باید کارهایی انجام داد که با عقاید شخصی مخالف است .

نگاه

مهرداد آبادیان

خدمتگزاران خاموش

او به ندرت سخن می گوید . سخنانش کوتاه و گزیده است و به دل می نشیند . صدای لرزانش از غمی کهنه و جانکاه حکایت دارد و به باور من او یک مادر پارسای دل سوخته است که به جامعه دل می سوزاند . مستندات او در گفتار و نوشتارش گاتها و اوستاست ،که فرهیختگی و باورهای دینی و عشق او را به اشوزرتشت نمایان می سازد. در گفتارش اثری از خودنمایی و خود بزرگ بینی نیست ، گرچه بزرگ منشی دارد، آن روز به کنکاش آمده بود تا ناگفته ها را بگوید و از نامهربانیها و بی توجهی ستاد برگزاری همایش بزرگداشت سخن براند . او گله داشت که چرا سرود گاتها و اوستا پیش از سخنرانیها خوانده نشد؟! او شکوه داشت چرا تمثال آن بزرگ مرد در جایگاه جایی نداشت غافل از اینکه خود بهشتی روان از همایش حذف شده بود تا تور براتور زمان در مقابل اربابان سر افراز باشد و خلاصه اینکه چرا باید سه پند جاودانه اشوزرتشت (هومت و هوخت و هورشت) که پایه و اساس دین بهیست و اکنون عالم گیر شده است در صحنه آرایی جایی نداشته باشد. او هیچگاه به خود و دیگر دلباختگان اشاره نکرد که چگونه به مدت یکهفته از تلی خاک کتابخانه روانشاد یگانگی را به در آوردند و احیا کردند و خاک چندین ساله را از لابلای کتابهای نیمه تاراج شده زدودند تا برای بازدید کنندگان همایش مهیا شود. و دریغا نشریات نیز در درج این خبر کوتاهی کردند. او هرگز نگفت که آن مرد پارسا، بنداری که بیش از ۱۵ سال است به عنوان پاسبان این گنجینه علمی ارزشمند خدمت می‌کند باید با کمترین امکانات یک کتابدار ساده روزگار بگذراند و حتی تلفن کتابخانه یکطرفه باشد که مبادا تلفنی به جایی زده شود و هزینه آن انجمن را فلج کند. او نامی از دانشجویان رشته کتابداری دلباخته به این رشته بر زبان نیاورد که به سبب جوانی حق خدمت و نوگرایی در سیستم کتابخانه را ندارند و کتابخانه محکوم است با همان سیستم پوسیده و واپس گرایی به حیات خود ادامه دهدتا گفته بزرگ اشوزرتشت که جهان را تازه گردانید بر زمین ماند!

به باور من این همایش با همه تلخی و شیرینی و زشتیها و زیباییها ، درسهای بزرگی به جا گذاشت و باید بیشتر قلم زده شود تا برای آیندگان راهکار باشد . در این رویداد برخی با هو و جنجال و زیاده خواهی به باور خود بهره بردند و درخشیدند و حتی بر سکو ایستادند و بسیاری با عشق و دینداری در خاموشی ایثار کردند و به دنبال نام و شهرت نبودند . آن جوان هنرمند و فرهیخته که آرم همایش را طراحی کرد هرگز اجازه نیافت نام خود را در زیر اثر گرافیکی خود بنگارد تا مبادا به شهرت برسد و جای جایزه بگیران را تنگ کند. در حالیکه نگاشتن نام هنرمند در روی اثر هنری کاری متداول است . یا آن گروه عاشق و دلباخته که غذای سنتی همایش را با وجود کمبود ها و زیاده خواهیها با چنگ و دندان فراهم آوردند و از جان مایه گذاشتند ، باید نامشان در پشت پرده نمایش مخفی بماند چون به کسی و چیزی متکی و آویزان نیستند. سخنی با مدیران برنامه ، عزیزان من شما که با یک فراخوان و به نام بزرگداشت اشوزرتشت فرهیختگان و متخصصین دلسوزی را به دور خود می بینند ،اینان کارگران حلقه بگوش نیستند که چشم و گوش بسته تحت اوامر شما باشند. اینان هر کدام در تخصص خود می توانند مدیری لایقتر از ما در جامعه باشند. فقط گناه آنها عاشقیست و شما نیک می دانید که یکی از اصول مدیریت تفویض اختیارات در مقابل خواستن مسوولیت است. برای نمونه اگر متخصصی را به عنوان مسوول روابط عمومی و پخش کارتها می گمارید که کار شایسته ای است و او را با محدود بودن کارتهای همایش مقابل بهدینان قرار می‌دهید ، سزاوار نیست که کارتهای زیادی از کانالی دیگر در بین دوستان و دردانه ها و فرزندان خردسالشان به وفور برای صرف نهار پخش شود و از شکوهمندی سمینار بکاهد. یا اگر فرهیخته دیگری را بعنوان مسوول ارتباطات برمی گزینید شایسته نیست جارچیان برای خودنمایی با نشریات غیر زرتشتی به سبب داد و ستدی که دارند مصاحبه شوند و کار ارتباطات همایش مختل شود!

به گمان من این ناهنجاریها به جز تخریب شخصیتی و سرخوردگی ایثارگران چیزی به بار نمی آورد و در واقع ما بزرگان آنها را به مسلخ شخصیت رهنمون می کنیم که آینده جامعه را تیره می سازد . نمی دانم چرا از بزرگ شدن دیگران وحشت داریم و من با دانسته های اندک خود به رمز این معمای تلخ کم کم آگاهی می یابم که چرا جوانان فرهیخته و مدیر بهدین پس از سپری کردن دوران تحصیل و مدیریت در کانون دانشجویان و سایر ارگانهای موفق جوانان در جامعه محو می شوند که خبر خوشی برای آینده جامعه نیست!

و کلام آخر اینکه شما که در این همایش بدون خود بزرگ بینی با تمام وجود خدمت در خاموشی را برگزیدید و با عشق و دینداری همت و ایثار کردید دلواپس مظلومیت خود نباشید چون پیامبر بزرگ ما نیز در این نمایش مظلوم بود و بایسته است شاعران زرتشتی که در ادبیان دیگر در به در به دنبال مظلومین می گردند که شعری بسرایند تا سرآغاز بده و بستان باشد نیم نگاهی به این جامعه داشته باشند که از همه مظلومتر است .

همازوریم .

با هم باشیم و متحد

تقدیم به نامزدهای محترم مجلس هفتم

شاهرخ وخشوری

با درود و قدردانی از کلیهٔ نامزدهای نمایندگی مجلس هفتم که آمادگی خود را جهت کاری خطیر و بزرگ و مسئولیتی بسیار سنگین که می خواهند به عهده بگیرند اعلام نموده‌اند و امیدوارند که بتوانند این کارها را به نحو احسن انجام دهند و حق و حقوق جامعه را بگیرند.

اقلیتی هستیم با جمعیت کم در بین اقلیت ها ، ولی اهدافمان زیاد و دلمان می خواهد که روز به روز به سرافرازی و پیشرفت بیشتر نائل گشته و حق خود را دریافت نماییم . (چون حق گرفتنی است)

آیا این جمعیت کم تعداد، نه نفر نامزد نمایندگی لازم دارد ؟ البته می دانیم که تمام این نامزدهای محترم لایق ، باخرد و کاردان هستند . ولی با توجه به نسبت جمعیت و استقبال نه چندان زیادی که جامعهٔ زرتشتی در سال‌های گذشته از خود نشان داده‌اند ،آیا صلاح نیست که شما نامزدهای محترم با هم متحد و یکپارچه شده و اهدافتان را به یکدیگر نزدیک نموده و از بین خودتان تعداد ۲ الی ۳ نفر را برگزیده تا جامعه هم نمی تواند به اهداف خود که سرافرازی جامعه و دریافت حق و حقوق خود است برسد.

تا زمان دیر نشده این عمل را انجام داده و درجهٔ گذشت و فداکاری خود را نسبت به دیگران به اثبات برسانید در غیر اینصورت ممکن است دیگر قابل جبران نبوده و در مقابل جامعه مسئول باشید.

امیدواریم که نماینده منتخب فقط به فکر دریافت حقوق جامعه بوده و به فکر امتیازات و حقوق بالای مجلس نباشد.

انتظار داریم تا نامزدهای محترم هرچه سریع تر تصمیم نهایی خود را گرفته و با اتحادی یکپارچه افرادی را از بین خود انتخاب نمایند.

لازم به ذکر است که هر کس بخواهد به جامعه خدمت نماید ، حتماً نباید که نماینده مجلس ، رئیس و یا اعضای انجمن و یا سایر ارگان‌های جامعه باشد ، شرایط خدمت همیشه فراهم است.

با آروزی توفیق برای نمایندهٔ منتخب ، سرافرازی جامعه‌مان را خواستاریم .

راحت تر بتواند نماینده منتخب خود را برگزیند ، در غیر اینصورت نماینده منتخب با رای اندک و بدون پشتوانه کل جامعه به مجلس راه خواهد یافت و به دلیل رای کم در مجلس همیشه مورد چالش قرار گرفته و حرفش خریداری نخواهد داشت و جامعه نیز

ستون آزاد

الو ، روز بخیر ، امرداد ؟ !
پیام گیر امرداد
روی خط ۸۳۲۵۳۳۰ دریافت کننده پیام‌ها ، پیشنهادها و انتقادهای شما ست

□ در شماره پیش امرداد در خبری آمده بود که مجوس نسبتی نا روا برای زرتشتیان است . باید بگویم که این واژه معرب «مگوس» و تلفظ یونانی «مغ یا موبد » است که این نکته در فرهنگ وبستر انگلیسی از ریشه magic به معنای جادویی آمده و در گاتها با تلفظ maga .زرتشتیان در قرآن هم با همین لقب شناخته شده اند و به هیچ عنوان تهمتی نا روا نیست . و بهتر است برای ارسال به مسوولان این واژه از لیست واژگان ارایه شده حذف شود .

نام محفوظ از کرمان

توضیح و پوزش

در شماره پیش در صفحه ایرا نویج مطلبی با نام نامورنامه در مورد زندگی و آثار دکتر حسین وحیدی به چاپ رسیده بود که به دلایل فنی اشتباهات زیادی داشت . با پوزش از خوانندگان و همچنین دکتر وحیدی، این مطلب در شماره های آینده دوباره به چاپ خواهد رسید .

در هواپیماهای ایران ایر، خلیج فارس، دریای عرب است

یکی از بینندگان «بازتاب» در پیامی از اعتراض مسافران ایران‌ایر به خاطر استفاده از واژه «دریای عرب» به جای «خلیج فارس» در هواپیماهای این شرکت خبر داده است.

در این پیام آمده است: به رغم گذشت مدت قابل توجهی از زمان اجاره هواپیماهای عربی توسط ایران‌ایر ، نرم‌افزار موجود در این هواپیماها اصلاح نشده‌اند و به این جهت صفحات نمایشگر موجود در هواپیما ، واژه «دریای عرب» را به جای «خلیج فارس» به کار می‌برند.

در بخشی از این پیام آمده است: در پرواز شماره ۳۸۰ مورخ ۲۶ دی ماه از چابهار به مقصد تهران نمایشگرهای هواپیما ضمن نمایش اطلاعات پرواز برای مسافران ، خلیج فارس و دریای عمان را دریای عرب نشان می‌داد که موجب اعتراض شدید و مکرر مسافران شد.

در پی اعتراض مکرر مسافران سر میهمان‌دار پرواز ، علت این امر را اجاره‌ای بودن هواپیما و عدم دسترسی به نرم‌افزارهای آن ذکر کرد و در مقابل درخواست مسافران مبنی بر عدم استفاده و یا خاموش کردن نمایشگرها این اعتراض را بیهوده و تکراری دانست.

نشست «قوم شناسی سیاسی ایران» در انجمن انسان شناسی ایران

نشست «قوم شناسی سیاسی ایران» با سخنرانی دکتر حمید احمدی استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران در انجمن انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می شود.

نشست «قوم شناسی سیاسی ایران» نهمین جلسه از سلسله سخنرانی های انجمن انسان شناسی ایران است که از پاییز سال جاری تا کنون در محل این انجمن برگزار شده است. این سخنرانی علمی روز شنبه ۱۸ بهمن ماه از ساعت ۱۷/۳۰ تا ۱۹ بر پا می شود و ورود برای عموم آزاد است.

این انجمن تا کنون سخنرانی ها یی با مضامین «نماد پردازی در معماری ایران»، «فرهنگ امریکایی پیش از کلمب» و «جغرافیای فرهنگی گیلان» را بر پا کرده است.

همانطور که همکیشان شاهد آن بودند، جشن سدهٔ تهران ، امسال نیز مانند چند سال گذشته در کوشک ورجاوند برگزار شد ، ولی بسیار مفصل‌تر و پر استقبال تر از سال های پیش . اما در این میان مشکلات هم آگاهانه و ناآگاهانه بیشتر شده بود .من دلیل چند مورد از این مشکلات را به صورت پرسش از سازمان‌های برگزار کنندهٔ مربوطه می‌پرسم:

آیا با وجود برگزاری جشن‌ها و مراسم مختلف در سال‌های متوالی هنوز پیش بینی و آمار خاصی در مورد حضور مردم و یا سازماندهی سرویس‌های رفت و برگشت و یا سالن سخنرانی و تعداد صندلی‌ها وجود ندارد و یا شاید فرد متخصصی برای اینکار در میان نیست ؟

آیا در میان همکیشان جوان و متخصص ، فردی با تجربه و دلسوز برای برگزاری جشن و انجام موسیقی و ادارهٔ سیستم‌های صوتی و تصویری کم هستند که از افراد دیگر استفاده می‌شود؟

آیا باید تعداد افراد دعوت شده و ورود افراد دعوت نشده آنقدر بی سازمان باشد که حتی جایی برای مردمی که همه ساله به این جشن می‌رفتند در سالن ، اتوبوس‌ها و ... نباشد؟

چرا هماهنگی برای پایان مراسم و بازگشت اتوبوس‌ها وجود نداشت و یا حداقل به صورتی گسترده زمان حرکت سرویس‌ها اعلام نمی‌شد؟ شاید تعداد اتوبوس‌ها کافی نبوده است .تا خویشاوندان و آشنایان مجبور شوند در اتومبیل های شخصی خود به جای پنج نفر گنجایش ، هشت نفر را جا بدهند و یا بعضی از همکیشان برای بازگشت به منزل مجبور شوند از ماشین‌های مسافر بر کنار جاده استفاده کنند؟

آیا هر کس اجازه دارد که در بیرون محوطهٔ کوشک از حضور جمعیت استفاده کند و اقدام به فروش اجناس خود کند؟البته فروش موارد مورد علاقهٔ همکیشانکه از یزد آورده می‌شود به نظر من بد نیست ولی آیا بهتر نیست این موارد با هماهنگی سازمان‌های برگزار کننده انجام شود و داخل محوطه ورت گیرد تا هم کمکی مالی به برگزار کننده‌ها شود و هم در این میان افرادی سود جو پیدا نشوند تا مثلاً اقدام به فروش سیگار کنند؟(که این مورد را احتمالاً بسیاری از همکیشان مشاهده نموده‌اند) اگر به همین شکل پیش رود احتمالاً در سال‌های آینده اگر جشن سده برگزار شود ، در کنار کوشک ورجاوند «سده بازار» خواهیم داشت.

آیا فیلمبرداری در سالن برای خبرنگاران متعهد و غیر متعهد آزاد است ولی برای زرتشتیان محدود؟

آیا هر خبرنگاری اجازه تهیهٔ هرگونه خبری را حتی بی مناسبت با جشن سده را داشته است ، مثلاً نظرخواهی در مورد انتخابات ؟(خود من یک مورد را مشاهده کردم)

آیا اشکال ندارد که در کنار آتش جشن سده افرادی پیدا شوند و بگویند که امروز نباید جشن برگزار شود، به دلیل تقویم؟

آیا این اشکال دارد که در جشن‌ها همکیشان شادی خود را پایکوبی به نمایش بگذارند؟

اگر قرار است جشن‌هایی چون سده و مهرگان ملی اعلام شوند ، آیا بهتر نیست توسط ارگان‌های دولتی و یا دانشگاه ها با پیشنهاد و همکاری انجمن‌های زرتشتیان و در مکان‌هایی عمومی(تر) برگزار شود تا هم افراد علاقمند مطلع شوند و بتوانند شرکت کنند و هم مسئولیت عمومی کردن جشن بر عهدهٔ انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی نباشد و هم این بودجهٔ اندک انجمن‌ها و ارگان‌های زرتشتی به طریق غیر بهینه مصرف نشود و دیگر بودجه‌ای برای پیشرفت در مسیر علم و یا ورزش باقی نماند .

آیا زمانی که رئیس انجمن زرتشتیان تهران با رادیو فردا در مورد زمان و مکان برگزاری جشن سده گفتگو می‌کند نباید از محدودیت شرکت افراد در آن صحبت کند؟و یا اگر محدودیتی وجود ندارد ، آیا هر فردی با هر فکر و عقیده و قصدی می‌تواند وارد کوشک ورجاوند شود؟ تا مثلاً اقدام به عکس برداری از هر کس وهرجا بنماید و یا مثلاً اقدام به تبلیغ مواردی کند که متضاد با آرمان‌های پاک اشو زرتشت است؟

آیا سازمان ویا ارگانی که مسئولیت برگزاری این جشن‌ها (که افتخار هر زرتشتی و ایرانی میهن دوستی است) را بر عهده می‌گیرد ، ابتدا نباید به فکر آبروی آنها باشد و بعد به فکر شناساندن آن به بقیهٔ ایرانیان و جهانیان ؟

در پایان می‌خواهم بدانم که تصمیم گیری در مورد برگزاری جشن‌ها و مراسم تنها باید توسط ارگان‌ها و احتمالاً چند شخص خاص گرفته شود و نه اکثریت همکیشان؟

نقدی بر نحوهٔ برگزاری جشن سده امسال

فریبرز دادمانی

بزرگداشت «ژاله آموزگار» در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، برنامه بزرگداشت ماهانه خود را به «ژاله آموزگار» اسطوره شناس و متخصص زبان های باستانی اختصاص داده است.

در دعوت نامه ارسالی از سوی انجمن آمده است: به پاس متجاوز از سی سال کوشش در تدریس و تحقیق و تالیف و ترجمه، بانوی فرهیخته، اسطوره شناس و متخصص زبان های باستانی «دکتر ژاله آموزگار» استاد گروه فرهنگ و زبان های باستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مجلس بزرگداشتی برای ایشان برگزار می کند تا از خدمات علمی و فرهنگی این استاد گرامی تقدیر به عمل آورد.

این مجلس بزرگداشت روز چهارشنبه ۲۹ بهمن ماه از ساعت ۱۷/۳۰الی ۱۹/۳۰ در تالار اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می شود.

سالنمای راستی
دیواری، جیبی، سررسید، رومیزی
به‌همراه‌مناسبت‌ها و راهنمای پیشه‌های زرتشتیان
و تصاویر رنگی منتشر شد
باهدیه‌سالنماو کلامیاد و خاطر مغتنم در ادر تمام سال جاودانه سازید
در هنگام تهیه سالنما
به‌نام راستی توجه داشته باشید
تلفن مرکز پخش: ۸۰۸۰۲۰۰-۸۰۸۰۲۷۷۰-۸۲۰۲۷۷۰
۶۶۴۶۸۱۲
با بیش از نیم قرن سابقه
جشن سال نو مبارک

هنگ به آفرین: ۰۹۱۳ ۱۵۶۴ ۷۲۱۴
Bair O Qalar Iran
ساعت حرکت: ۹ شب
تهران زیزد

موبایل کامبیز
o سیم کارت ـ فیش
o گوشی نو و کارکرده ـ نقد و اقساط
o سیستم موبایل ماهواره‌ای (ثریا)
o خطوط تلفن ثابت تمام مناطق
۶۵۲۵۹۸۸ـ۶۵۲۴۶۰۸ـ۶۵۲۰۵۸۰
۶۵۲۵۹۸۷ـ
موبایل ۰۹۱۳۲۲۳۳۲۴۴

تلفن‌های تماس با امرداد:
۸۳۲۵۳۳۰
۸۳۲۵۳۳۱
۸۸۲۴۸۰۶
نمابر:
۸۳۲۵۳۲۹
www.amordad.4t.com

یک واحد مسکونی
اجاره داده می شود
تلفن : ۲۵۲۴۶۱۸ منزل
۲۵۰۷۳۳۴ محل کار
فرودی

ویستا جان
سالروز تولدت ۲۳ بهمن
مبارک
آرتین

جهت کار در منزل
به یک خانم بطور نیمه وقت
نیازمندیم
تلفن: ۰۹۱۲۲۱۰۲۸۴۲

مشاور املاک شما در کرج
مسکن پارسیان
تلفن: ۰۲۶۱ـ۴۴۱۴۹۶۳
۰۲۶۱ـ۴۴۲۶۸۶۷
نشانی: گوهر دشت . فلکه اول . جنب بانک مسکن

پسنا کامپیوتر
سخت افزار، نرم افزار،
سرویس و پشتیبانی،
خدمات ، اینترنت،تعمیر قطعات
نشانی : ولیعصر بالاتر از چهار راه طالقانی مرکز کامپیوتر ایران ورودی دوم پلاک ۸۴۰
تلفن: ۱۷ ـ ۸۸۰۵۱۲۸
۰۹۱۱۲۳۴۲۹۴۷

بهدین خدارحم کوشنی
سازنده و مینگر
۱- آفرینگان ورهرام
۲- قبله روشنائی شاور
۳- تعمیرات آینه نمائل اتوررنشت
۴وشم ۶ و ۷ در آینه نزدیک باطلاع خواهد رسید .
تلفن: ۸۸۰۲۱۷۶-۸۸۱۷۳۱۵

مهد کودک ، آمادگی
و مرکز پیش دبستانی
سپند
تلفن: ۸۹۶۹۴۴۱

املاک رستم
واقع در خیابان کریمخان - آبان جنوبی
نبش کوچه عقلیلی پلاک ۱/۷۳
تعدادی مشاور تحصیل کرده فعال که آشنایی به منطقه داشته باشد را دعوت به همکاری می نماید
۸۹۲۵۱۴۶-۷

پلاستیک سازی دهنادی
تولید کننده
انواع لوله های مویی و پروفیل پلاستیکی
از ۱/۵ تا ۲۵ میلیمتر
نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج
خیابان دارو پخش. خیابان مهندس خودکار
تلفن: ۳۸۳۱۴۴۲ ـ ۰۲۶۲

راستین مسکن
در خدمت همکیشان محترم
خرید ، فروش ، رهن و اجاره
آدرس: یوسف‌آباد ،میدان فرحبخش (سلماس) ، خیابان شهریار ، پلاک ۱۳۴
تلفن: ۸۰۲۳۶۴۲
۸۰۲۵۳۵۲

مشاور املاک راستین
خرید ، فروش ، رهن ، اجاره
۷۲۴۳۱۲۴

دکتر فرشید اختری
جراح دندانپزشک
- سفید کردن دندانهای بد رنگ
- بستن فاصله بین دندان ها
- درمان ریشه (عصب کشی) بدون درد در یک جلسه
- ترمیم همرنگ دندان با اشعه
- ساخت دندان مصنوعی ثابت و متحرک
- ارتودنسی
- نصب نگین روی دندان

طرف قرار داد : بیمه خدمات درمانی و تامین اجتماعی
ویزیت جهت همکیشان عزیز رایگان می باشد .
میدان گلها ، ساختمان پزشکان ویدا - طبقه دوم
تلفن: ۶۳۸۴۸۹
Email:f.akhtari@dentaliran.com

مشاور املاک شما همکیشان
در کرج
رستم پرویزی
تلفن: ۹، ۲۵۰۰۵۲۷و۲۵۰۶۰۱۸ـ۰۲۶۱
نشانی: کرج ،عظیمیه ، خیابان شمس
پلاک ۱۷۰

دفتر وکالت
فرامرز ضیاطبری
(وکیل پایه یک دادگستری)
خیابان آزادی ، روبروی وزارت کار ، کوچه بامدادان ، پلاک ۴۱ (داخل بن بست)
تلفن : ۶۸۷۵۵۴۹
شنبه ـ دوشنبه ـ چهارشنبه ، ۵ تا ۸ بعد از ظهر

از این پس می توانید هفته نامه امرداد را از انتشارات فروهر و انتشارات توس تهیه کنید.

امرداد
هفته نامه (هرآکنون دو هفته یکبار)
خبری ،فرهنگی ،اجتماعی
ناشر : بنیاد فرهنگی جمشید ،جاماسبی،
صاحب امتیاز ومدیر مسئول :جمشید کیومرثی
سردبیر : کیوان هور
مشاور سردبیر : بوذرجمهر پرخیده
مدیر داخلی: آرش نورافروز
مدیر هنری: کیخسرو خادم
لیتوگرافی و چاپ :کیان
نشانی: خردمند شما لی . کوچه ۶ شماره ۲ کد پستی ۱۵۸۵۸
صندوق پستی: تهران ـ ۱۵۸۵۵/۱۴۴
تلفن : ۱-۸۳۲۵۳۳۰ نمابر: ۸۳۲۵۳۲۹
مقالات چاپ شده الزاما نظر امرداد نیست .امرداد در ویرایش مطالب آزاد است .امکان بازگرداندن مطالب داده شده به امرداد وجود ندارد .
استفاده از مطالب چاپ شده در امرداد ، تنها با ذکر منبع آزاد است
پست الکترونیک: amordad @parsimail . com

هفته نامه فرهنگی امرداد
اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه
امرداد نخستین هفته نامه مستقل زرتشتیان
از آغاز به کار امرداد تا کنون تمام شماره های آن بدون استثناء در تاریخ مقرر منتشر شده است
سایت امرداد www.Amordad.4t.com
هزینه اشتراک داخلی (یکساله): پست عادی: ۳۶/۵۰۰ ریال
هزینه اشتراک خارجی (یکساله): پست عادی: ۱۲۹/۰۰۰ ریال
می توانید امرداد را از برخی از دکه‌های روزنامه فروشی نیز تهیه فرمایید .
برای اشتراک یا خرید امرداد در تهران و یزد و اهواز می توانید به یکی از نمایندگی های امرداد مراجعه نمایید :
۱- تهران ـ فروشگاه لوازم التحریر مهرتن میدان فرحبخش ،آقای افسر کشمیری. تلفن: ۸۰۲۲۲۵۶
۲- تهران ـ خیابان میرزاکوچک خان ، جنب آدریان تهران ، شماره ۱۰ طبقه اول آقای داریوش سلطانی پور تلفن: ۶۷۲۱۲۲۴
۳- چابهار فروهر ،جنب آدریان تهران
۴- یزد- نقلاب سر سیدعبسیا فرهنگ ،کتابفروشی بزرگمهر، آقای فریبرز یزدانی ـ تلفن: ۵۲۵۲۸۱۲
۵- یزد- بلوار شهید صدوقی ـ روبروی تالار شهر ـ کتاب فروشی کورش ـ برادران اخوی جو تلفن: ۷۲۵۰۱۵۱
۶- اهواز : کیان پارس ، نبش خیابان ۱۷ مجتمع فرهنگی دینی زرتشتیان اهواز آقای تورج ـ سلطانی پور تلفن: ۳۳۶۶۰۱۵
نام و نام خانوادگی : .....
سن : .....تاریخ تکمیل فرم: .....
شماره حواله یا فیش بانک : .....
شهرستان: ..... خیابان: .....
کوچه: ..... پلاک : ..... طبقه : .....
کد پستی ده رقمی : .....
تلفن تماس: .....
E.mail: amordad@parsimail.com
نوع پست: عادی
نوع درخواست: اشتراک جدید تمدید اشتراک
می توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی ، کد ۶۳۵۴/۵ (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت در سراسر کشور به نام جمشید کیومرثی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی : تهران ، صندوق پستی ۱۵۸۵۵-۱۴۴ ارسال نمایید .یا شماره حواله پرداختی خود را با شماره تلفن‌های ۳۱-۸۳۲۵۳۳۰و۸۸۲۵۲۱۲ به ما اطلاع دهید . همچنین می توانید از طریق نمایندگی های امرداد در تهران و شهرستان‌ها نیز اقدام بفرمایید . نمابر شماره ۸۳۲۵۳۲۹ در تمام مدت آمادهٔ دریافت تصویر فیش بانکی مربوط به پرداخت اشتراک شما خواهد بود.